

• صاحب امتیاز و مدیرمسئول: غلامحسین کرباسی • مشاوران: عباس عبدی و احمد زیدآبادی • سردبیر: محمد جواد روح • سردبیر آنلاین: افشین امیرشاهی • معاون سردبیر: مهرداد خدیو • دبیران گروه‌ها: فرزانه طهرانی (اقتصاد) • آرمن منتظری (دبلیو و بین الملل) • علی ورامینی (رسانه و فرهنگ) • سمیه متقی (سیاست) • الهه ابراهیمی (خبر) • آرش خاموشی (عکس) • هادی حیدری (طرح و کاریکاتورها) • شبنم رحمتی (معاون آنلاین) • مدیر هنری: مهدی قربانی تبار • حروفچینی و ویراستاری: شهرام هادی • مدیر اداری و آگهی‌ها: شاهرخ حیدری • تلفن روابط عمومی: ۸۸۷۳۵۴۰۷ • آگهی‌ها: ۸۸۷۳۵۴۰۷ • نشانی: خیابان شهید بهشتی، خیابان پاکستان، کوچه دوازدهم، پلاک ۱۸، لیتوگرافی و چاپ: هم‌میهن • توزیع: نشر گستر امروز نوین • تلفن: ۰۲۱-۹۱۳۰۴۱۴۲

«خانه به دوش»  
و خوانشی دیگر

رضا صامی

خبرنگار گروه فرهنگ

سریال خاطره‌انگیز «خانه به دوش» در تکرار چند باره خود، بار دیگر پس از ۲۰ سال از زمان تولید و پخش آن، از شبکه آی فیلم در ماه رمضان پخش شد و باز هم با استقبال مردم مواجه شد. آمارهای مخاطبان برنامه‌های روزی امسال نشان داد که این مجموعه نمایشی همچنان محبوبیت خود را حفظ کرده است. این در حالی است که اغلب سریال‌های جدید نمی‌توانند حتی نیمی از مخاطبان این سریال را به خود جلب کنند. پرسش از چرایی این اتفاق می‌تواند ما را به فهم دقیق‌تری از رمز سریال‌سازی موفق و البته جامعه‌شناسی مخاطب برساند. گرچه رضا عطاران دیگر با تلویزیون کار نمی‌کند اما در دو دهه پیش، دو سریال «متمم گریخت» و «خانه به دوش» او بارها از تلویزیون بازپخش شد. سریال‌هایی که در زمان خودش خیابان خلوت‌کن بود و حالا می‌توان آن را حال خوب‌کن دانست. اگر به سریال‌های پر مخاطبی چون پایتخت هم نگاه کنیم، مشخص می‌شود که مردم در کنار شادی، جذب برنامه‌هایی می‌شوند که در سیستم زندگی بازیگران سریال، آرامش وجود دارد و تماشاگر آن به مخاطب، آرامش را منتقل می‌کند. این در حالی است که به بینندگان سریال نشان می‌دهد که می‌شود در کنار مشکلات مالی و تلخی‌ها، شاد زندگی کرد؛ و از آنجایی که تجربه اکثر مخاطبان به این شیوه زندگی نزدیک‌تر است، با آن ارتباط بهتری برقرار می‌کنند. رمزگشایی از این موفقیت می‌تواند به آورده و امکاناتی برای سریال‌سازی‌های پر مخاطب باشد. فارغ از سوبه‌های درون متنی که به نقد و تحلیل این سریال مربوط می‌شود، باید به عوامل فرامتنی در خوانش این مجموعه هم توجه داشت که می‌تواند دلایل محبوبیت آن را توضیح دهد. این سریال علاوه بر وجه نوستالژیکی خود، تداعی کننده دوره‌ای از زندگی مخاطبان است که آرامش داشتند؛ و با مشاهده دوباره آن به نوعی همان دوران و روزهای بهتر از امروز را به یاد می‌آورند. همین حس خوب در کنار صحنه‌های طنز باعث جذابیتش برای مخاطب شده است. اما اکنون بعد از دو دهه می‌توان به خوانش دیگری از این سریال دست زد؛ خوانشی که حالا با حس روح‌حال مخاطب امروز، این سریال را در یک بازتعریف تازه و متفاوتی قرار می‌دهد. به این معنا که حالا بازپخش سریال «خانه به دوش»، صرفاً بازگشت به یک نوستالژی تلویزیونی برای جبران ریزش مخاطب نیست، بازتولید یک تراژدی اجتماعی و بازتاب ریزش طبقاتی هم هست. بعد از دو دهه از تولید و پخش این مجموعه، سطح زندگی بسیاری از مردم، به طبقه آقا ماشالله و خانواده‌اش بازگشته تا مصائب فقری که او بر دوش می‌کشید، بر شانه خیلی‌ها سنگینی کند و تلخ‌ترین شکل همذات‌پنداری رخ دهد. در سریال‌سازی جلونویتم تا سریال خیابان خلوت‌کنی مثل «خانه به دوش» ساخته شود، اما در فقیرسازی چنان جلو رفتیم که حالا حکایت این سریال، روایت این روزگار است؛ روزگاری که مردم نه خانه به دوش که خانه خرابند. آنها که سیاست‌شان بر ایشالله و ماشالله استوار بود، نه سریال «خانه به دوش» که خانه به دوش‌های سریالی ساختند! در واقع از منظر جامعه‌شناسی هنر و مخاطب که به این سریال نگاه کنیم، می‌توان این تغییر و چرخش در واکنش حسی و عاطفی مخاطب به یک سریال پر طرفدار را مبنایی قرار داد برای فهم جامعه و درک جامعه‌شناختی از تغییر و تحولات اجتماعی در کشور که در مواجهه دوباره مخاطب با یک اثر هنری شناخته‌شده صورت‌بندی می‌شود. این البته یک واقعیت مهم در جهان هنر و نمایش هم هست. به این معنا که نسبت معناداری بین یک اثر نمایشی و زمان تماشای آن وجود دارد و فاکتور تاریخ را نمی‌توان در خوانش یک اثر هنری نادیده یا دست‌کم گرفت. این آثار شاخص در یک تحلیل فرامتنی اجتماعی، امکانی ایجاد می‌کند تا هم به فهم جامعه‌شناختی جامعه در زمان تولید پرداخت، هم در بازپخش‌های آن در برهه‌های زمانی دیگر تا از طریق تغییر واکنش‌های مخاطب به آن، تصویری از سیر تحولات اجتماعی ارائه داد و به یک درک مردم‌شناسانه به واسطه یک اثر نمایشی دست یافت. این یکی از خاصیت‌های مهم تولیدات هنری است که جهان بیرون متنی را هم فهم‌پذیر می‌کند. براین اساس می‌توان گفت، حالا سریال «خانه به دوش» از کمندی به تراژدی تبدیل شده و بسیاری از مردم حالا با دیدن این سریال به تماشاگر آقا ماشالله نمی‌نشینند، به تماشاگر دردهای خود می‌نشینند!



## بی‌ینال ونیز به چه قیمتی؟

بررسی حضور ایران در شصت‌مین دوسالانه ونیز



ندا زنگینه

خبرنگار فرهنگ

دوسالانه هنر ونیز با قدمتی نزدیک به ۱۳۰ سال، امروزه به‌عنوان یکی از مهم‌ترین رویدادهای هنری جهان شناخته شده است. در این رویداد هر کشور با راه‌اندازی و چیدمان غرفه‌ای مختص خود، به عرضه و نمایش برترین دستاوردهای هنری خود می‌پردازد. بنابراین دوسالانه ونیز به بستر مناسبی برای عرضه و نمایش بهترین و تازه‌ترین دستاوردهای هنری کشورهای مختلف جهان تبدیل شده است. کشور ایران طی این سال‌ها ۸ دوره در دوسالانه ونیز حضور داشته است که ۲ دوره آن به پیش از انقلاب و ۶ دوره آن به پس از انقلاب بازمی‌گردد. حضوری که مبتنی بر یک برنامه‌ریزی کلان بلندمدت نبوده، بلکه به صورت دوره‌ای و نامنظم ممکن شده و همواره با چالش‌ها و حواشی زیادی همراه بوده است؛ از انتخاب هنرمندان آثار هنری گرفته تا حضور افراد بی‌ربط در تیم همراه با یونین ایران و صرف بودجه‌های هنگفتی که دستاورد مشخصی برای هنر کشورمان نداشته است.

## جزئیات پاپیون ایران در ونیز

چندی پیش و در اواسط روزهای فروردین ماه ۱۴۰۳ بود که محمد خراسانی‌زاده، مدیرکل هنرهای تجسمی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و سرپرست موزه هنرهای معاصر تهران، در حساب ویراستی خود اعلام کرد: «پاپیون رسمی ایران با عنوان «بنی آدم اعضای یک پیکرنه»، با آثاری از هنرمندان تراز اول کشورمان؛ آقایان عبدالحمید قدیریان، غلامعلی طاهری، کاظم چلیپا، مرتضی اسدی و مصطفی گودرزی در دوسالانه هنر ونیز ۲۰۲۴ حضور می‌یابد. هنرمندان دیگری در حوزه اینه‌کاری، واقعیت مجازی و هنر چیدمان به ارائه بهتر آثار کمک می‌کنند». در نشست خبری که ۲۰ فروردین ماه در موزه هنرهای معاصر تهران برگزار شد، امیر عبدالحسینی، دبیر ارشد هنری پاپیون ایران اعلام کرد که پس از به‌باران بیمارستانی در غزه، مرکز هنرهای تجسمی حوزه هنری در نظر داشت که نمایشگاهی با این موضوع برگزار کند. پس از تأکیدهای فراوان بر حضور در بی‌ینال ونیز، طرح این نمایشگاه برای دوسالانه ونیز نوشته شد. آثار این نمایشگاه با عنوان «والایی»، همه یک اندازه و یک فرم و بر اساس موضوع واحد کودکان غزه انتخاب شده است که همه با سروده‌های محمود درویش نام‌گذاری شده‌اند. همچنین در بخش دیگری از این نشست خبری محمد خراسانی‌زاده، مدیرکل هنرهای تجسمی گفت که نمی‌شود رویدادی در این سطح برگزار شود و جمهوری اسلامی ایران در آن حضور نداشته باشد؛ حتی اگر هزینه آن زیاد باشد. پرسش مهمی که در اینجا مطرح می‌شود این است که ما برای حضور در فستیوال هاو بی‌ینال‌های بزرگ جهانی به دنبال تحقق چه دستاوردهایی هستیم و آیا ونیز به‌صورت حقیقی ساحت هنر معاصر کشور ما را به نمایش می‌گذارد؟ صرف حضور آن هم به هر قیمتی برای ما به‌صرفه است؟

طبق آمار که به‌صورت رسمی از سوی مدیرکل هنرهای تجسمی اعلام شده است؛ هزینه فضای استیجاری برای هفت‌ماه حضور در ونیز ۴۰۰ هزار یورو تخمین زده شده است که به‌دلیل نبود بودجه ایران با برآورد ۲۰۰ هزار یورویی و به گفته او «با توکل به خدا»، در این رویداد حضور خواهد داشت؛ بودجه‌ای که بخش عمده آن از طریق حوزه هنری پرداخت خواهد شد.

## مصائب حضور در ونیز

آسیه مزینانی، منتقد هنری، در گفت‌وگو با «هم‌میهن» گفت: در پاسخ به بودن یا نبودن ایران در یکی از بزرگ‌ترین فرصت‌های ارائه هنر معاصر جهان، پاسخ من بی‌شک تأکید بر بودن است. اما بودن، تنها آنجا به چشم می‌آید و محقق می‌شود که استانداردهای اولیه کیفیت حضور، رعایت شود. ازسوی دیگر آنچه به‌نام هنر معاصر ایران پیش چشم جهان قرار می‌گیرد، بحق معاصر بوده و

برآیند منصفانه‌ای از ایده‌های خلاق و هنرمندانه‌ای که در میدان هنر ایران سر برآورده و توجه اهالی این میدان را به خود جلب کرده‌اند. بدیختی بزرگ اما اینجاست که حضور ایران در بی‌ینال ونیز به‌سبب ساختار ویژه این بی‌ینال، مانند تمام سیاست‌گذاری‌های فرهنگی و هنری جمهوری اسلامی در چند دهه گذشته بیش از آنکه تابع وضعیت واقعی میدان هنر باشد، تابع ایدئولوژی و سیاست‌های دلخواه و دستوری دولتی است که سکان اداره وزارت ارشاد را به دست دارد. این چنین است که سال‌ها حضور ایران در بی‌ینال ونیز، نه تجربه‌ای به‌هم پیوسته و برنامه‌ریزی شده که بودنی تکه‌تکه، غیرمنسجم و اغلب ناکارآمدی تأثیر است. او در ادامه در باره شیوه انتخاب آثار و هنرمندان حاضر در بی‌ینال توضیح داد: شیوه‌های بررسی و انتخاب آثار بعد از چندین نوبت تجربه حضور و شرکت در این بی‌ینال، هنوز دلخواهی و غیرشفاف است. همیشه صحبت از انتخاب براساس نظرات خیال‌انگیزی از کارشناسان، آکادمیسین‌ها، انجمن‌های هنری و هنرمندان در میان است، اما دست آخر آنچه به نمایش درمی‌آید، فرسنگ‌ها با استانداردهای جهانی فاصله داشته و اغلب از جلب رضایت حداکثری سرشناسان این میدان، ناتوان است. ازسوی دیگر به‌سبب تولید دولت بر امکان حضور ایران در این رویداد، آنچه به‌نام هنر معاصر ایران به نمایش در می‌آید، نه توان واقعی این میدان که تابعی از کیفیت رابطه هنرمندان با ساختار سیاسی در هر دوره است. ازسوی دیگر تخصیص بودجه مشخص و لزوم برنامه‌ریزی‌های کلان برای حضور در این دوسالانه مهم، همواره مورد غفلت قرار گرفته و دست آخر بر کیفیت انتخاب و ارائه آثار، تأثیر مستقیم گذاشته است. این منتقد هنری تصریح کرد: اگرچه وزارت ارشاد در سال‌های گذشته از همراهی هنرمندان نامدار و خلاق برای شرکت در بی‌ینال ونیز بهره برده، اما کیست که نداند آنچه به نمایش درآمده با توان حقیقی آن هنرمندان برای حضور در چنین رویداد مهمی، فرسنگ‌ها فاصله دارد؛ آنقدر که اغلب آثار در گالری‌های کوچک اما خصوصی تهران با اندکی آزادی‌های بیشتر و نظارت و دخالت‌های دولتی کمتر، در نمایشگاه‌های انفرادی‌شان بروز هنرمندان موفقی‌تری نسبت به تجربه ونیزشان داشته‌اند. مزینانی با اشاره به اینکه متأسفانه گزارش‌های دقیق و تحلیلی از هر دوره شرکت ایران در بی‌ینال ونیز وجود ندارد، گفت: گزارش‌هایی از این دست امکان نقد و گفت‌وگو ایجاد کرده و ضمن افزودن به توان‌های تحلیلی و تصور برای نوبت‌های بعدی حضور، تجربه‌های برگزارکنندگان هر دوره را به دوره بعد منتقل می‌کنند؛ تمهیدی که شاید بر کیفیت حضور هنر معاصر ایران بی‌افزاید.

## پیوند با هنر معاصر جهان

این منتقد هنری در پایان گفت: قبل و بیش از هر چیز در جهان و با جهان بودن - آن هم نه در مقام یک ناظر بی‌تأثیر که در قافتی خلاق و ایده‌مند. دستاوردی است که باید از حضور در عرصه‌ای چنین مهم، انتظار داشته باشیم؛ بی‌ینال ونیز از چنان اهمیت و اعتباری برخوردار است که در طول تاریخ فعالیتش تا به امروز، کشورهای بسیاری برای حضور و عرضه هنر معاصر خود، در آن شرکت کرده و می‌کنند. از چنین فرصتی باید برای برقراری پیوندهای دوباره با هنر معاصر جهان بهره‌مند شد. امکان‌های بی‌شمار تماشای آثار و معاشرت با هنرمندان دیگر کشورها برای هنرمندان ما که در کشوری جدا مانده‌اند، زندگی می‌کنند، فرصتی استثنایی است که بی‌شک به ارتقای شیوه‌های خلاق و عرضه آثار هنری ایران خواهد انجامید. ازسوی دیگری بی‌ینال ونیز امکانی مناسب برای دستیابی به بازارهای مهم هنری جهان است. امکانی برای جلب توجه میدان هنر و سرمایه جهانی به هنر امروز ایران. امکانی که بهره‌مندی از آن، بر فرصت‌های ناچیز موجود خواهد افزود و درهای تازه‌ای پیش پای هنرهای تجسمی ایران خواهد گشود. هنر معاصر همواره، قسمی، به اشتراکات گذشتن مسائلی است که هنرمندان با آنها درگیر بوده و در واکنش به آنها دست به خلق و تولید می‌زنند. از این جهت نیز اگر حضور هنرمندان ایرانی و انتخاب آثارشان با آزادی‌های لازم انجام شود، به ثبت واکنش هنرمندان ایرانی به عصر خویش خواهد انجامید که دستاوردی بی‌بدیل خواهد بود؛ چراکه هر خلق و تولید هنرمندانه‌ای خودپیشهادی تازه برای چگونه در جهان بودن است.

## چهره

## ستاره جوانمرد

پوپک گلدره، با «دنیای شیرین دریا» ساخته بهروز بقایی بود که مشهور شد؛ دختری ۲۷ ساله که البته پیش از آن در «ساعت خوش» و «سال خوش» مهران مدیری و «سرزمین سبز» بیژن بیرنگ و مسعود رسام نیز درخشیده بود. در سینمای دهه ۱۳۷۰ اما با «موج مرده» ابراهیم حاتمی‌کیا دیده شد و با فیلم تحسین‌شده «آخر بازی» همایون اسعدیان و در نقش آفرینی مقابل حامدپهاداد، نامزد دریافت سیمرغ بلورین بهترین بازیگر نقش اول زن از نوزدهمین جشنواره فیلم فجر شد. پس از این موفقیت‌ها در سال ۱۳۸۰ برای ادامه تحصیل به آمریکا رفت، اما مدتی بعد به ایران بازگشت و این بار با سریال «ترگس» سیروس مقدم به محبوبیتی گسترده دست یافت. در میانه کار برای استراحتی دوره‌به‌دوره به شمال رفت، اما در راه بازگشت تصادف کرد و ۸ ماه به اغما رفت. در ایستگاه پایانی عمر، عصر ۲۷ فروردین ماه ۱۳۸۵ در بیمارستان مهر تهران در سن ۳۴ سالگی درگذشت و در بهشت زهراهای تهران به خاک سپرده شد. بدین ترتیب سینمای ایران یکی از استعداد‌های جوان خود را که بسیاری به درخشش‌های عمده او در آینه مسیر بازیگری دل بسته بودند، از دست داد.



## کتابخانه

## والتر بنیامین از وای نظریه‌پردازی‌هایش

رمان «آخرین روزهای والتر بنیامین»، نوشته‌ای پارینی با ترجمه مریم خدادادی در ۳۸۴ صفحه و با قیمت ۲۹۵ هزار تومان، توسط نشر برج منتشر شد. در این رمان والتر بنیامین را از وای نظریه‌پردازی‌هایش می‌بینیم، مردی همیشه در بی‌عشق و مغموم از عشق؛ مردی پناه‌برده به کتاب‌خانه‌ای در پاریس که طی یک دهه گذشته مشغول نگارش شاهکاری هزارصفحه‌ای است، اما تا تک‌های نازی‌ها حومه شهر را پشت سر گذاشته‌اند و حالا دارند به قلب پاریس می‌رسند. از دور و نزدیک هشدار می‌رسد که برای زنده‌ماندن باید گریخت. بنیامین با دست‌نوشته ارزشمندش به امید نجات از کوره‌راه‌های کوهستان پیرنه، رهسپار مرز می‌شود. این فرار غم‌انگیز با توصیف گذشته پیچیده و جهان‌وطنی بنیامین درهم تنیده است؛ کودکی غرق در رفاه در برلین، سال‌های مشارکتش در جنبش جوانان آلمانی، سال‌های دانشگاهش و رابطه‌اش با متفکرانی که در حلقه یاران صمیمی بنیامین بین دو جنگ جهانی بودند. «آخرین روزهای بنیامین»، رمان ایده‌هاست و رمانی شاعرانه، به‌علاوه داستانی است عاشقانه که یکی از تکان‌دهنده‌ترین وقایع فرعی جنگ جهانی دوم است، همچنین یک تراژدی که گاهی کم‌دی سیاه می‌شود.



آخرین روزهای والتر بنیامین  
نویسنده: جی پارینی  
مترجم: مریم خدادادی  
انتشارات: نشر برج

## تاریخ

## صلح ایران و عثمانی



ایران و عثمانی طی قرون شانزدهم و هفدهم، نزاع‌ها و نبردهای فراوانی داشتند. یکی از مناطق مورد اختلاف طرفین، منطقه قفقاز بود. ۲۷ فروردین ماه ۹۹۲ هجری شمسی (۱۶ آوریل ۱۶۱۳ میلادی)، مذاکرات صلح ایران و عثمانی با امضای یک قرارداد در شهر اصفهان به پایان رسید. طبق این قرارداد که در پی یک رشته جنگ‌های سه‌ساله امضاء شد، دولت عثمانی از همه دعاوی خود در قفقاز دست کشید. ایروان، قارص و منطقه «وان» صحنه این جنگ‌ها بود که در آن برای نخستین بار از ارتش نوین ایران نیز رونمایی شد. افراد این ارتش از میان همه مردم انتخاب شده بودند و قواعد انتخاب شکلی اولیه از نظام وظیفه کنونی بود، زیرا در این ارتش از هر خانواده یک سرباز به میدان جنگ فرستاده می‌شد. پیش از آن نیروی نظامی صفویه از افراد ایلات و عشایر معینی بود و قزلباش خوانده می‌شد. این افراد که در امور کشور هم خودسرانه مداخله می‌کردند، عمدتاً متعلق رئیس ایل خود بودند تا فرماندهی ارتش.